



مطالب این شماره

- قرارداد استرداد مجرمین...
- مسأله حجاب و رژیم جمهوری اسلامی
- تکیه گاه فشر نازک بورژوازی حاکم
- در ایران و رژیم‌اش در کجاست؟
- تحول در سازمان تولید بین‌المللی سرمایه‌داری
- کودکان کار و رژیم سرمایه‌داری ایران
- شعر یاران ناشناخته‌ام از شاملو

باید آن را در بین مردمان این کشورها افشا کنند تا از تصویب نهائی آن جلوگیری شود.

مبارزه را تا لغو

این قرارداد ارتجاعی

ادامه دهیم!

قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و بلژیک، توطئه خطرناک امپریالیستی علیه اپوزیسیون و به ویژه جنبش انقلابی ایران در خارج از کشور

بند قرار داد، مجرم حق دارد تقاضا کند که مجازات تعیین شده را در کشور خودش از سر بگذراند. در نتیجه طبق این قرارداد جنایت کاران جمهوری اسلامی در بلژیک پس از ارتکاب به قتل و کشتار شخصیت‌های اپوزیسیون، پس از دستگیری بر مبنای تقاضایشان به ایران تحویل داده می‌شوند. لذا از لحظه تصویب این قرارداد جنایتکاران رژیم ایران در بلژیک برای هر جنایتی علیه اپوزیسیون دست باز دارند. پس از اجرای این قانون در بلژیک، و جواب دلخواه برای دولت‌های اروپائی، آن‌ها نیز برای از میان برداشتن اپوزیسیون ضد امپریالیستی و مترقی ایرانیان و یا هر کشور دیگری همین قانون را کپی خواهند کرد. نیروهای مترقی و انقلابی ایرانی برای افشای این توطئه خطرناک امپریالیستی

کشورهای امپریالیستی هرگاه می‌خواهند علیه جنبش زحمتکشان و نیروهای انقلابی توطئه‌ای را سازماندهی کنند، ابتدا آن را در یک کشور با کمترین سر و صدا آزمایش می‌کنند. پیش نویس قرار داد استرداد مجرمین بین سفیر ایران و وزارت دادگستری بلژیک در ۲۰ اسفند ۱۴۰۰ به امضاء رسید. این پیش نویس در ۱۵ تیر ماه ۱۴۰۱ در کمیته روابط خارجی پارلمان بلژیک مورد تأیید قرار گرفت و امضاء شد. این قرارداد باید در پارلمان بلژیک نیز به تصویب برسد. مسأله مرکز این قرارداد استرداد مجرمین بین دو کشور است. بر مبنای یکی از بندهای قرارداد، اگر شخصی از یکی از دو کشور، جرم و جنایتی مرتکب شد و دستگیر گردید. دادگاه آن کشور او را محاکمه می‌کند و برایش مجازات تعیین می‌نماید. طبق این

مبارزه علیه امپریالیسم را تا به آخر ادامه دهیم

اجتماعی باید در درجه اول علل اقتصادی آن را مورد بررسی قرار داد.

ما از شما خواننده عزیز جهت تحلیل نسبتاً مشروح وضعیت اقتصادی ایران که بنیان زن‌سنجی ذاتی رژیم جمهوری اسلامی را می‌سازد، طلب بخشش می‌کنیم.

غلامحسین شافعی در جلسه هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی مشهد با اشاره به گزارش بانک جهانی در تیرماه ۱۴۰۰ گفت: «تولید ناخالص داخلی ایران که در سال ۹۶ (به قیمت جاری) ۴۴۵ میلیارد دلار بود، در سال ۹۹ با ۵۷ درصد کاهش به ۱۹۱ میلیارد دلار تنزل یافته است. (استفاده از داده‌های (DW



این به معنی بیکار شدن میلیون‌ها کارگر صنعتی و خدماتی است.

در این اوضاع و شرایط بحرانی، رژیم ایران شمشیر را دوباره علیه زنان از رو بسته و مصوبه «شورای عالی انقلاب فرهنگی» سال ۱۳۸۴ به نام «گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» را بهانه کرده و با به رسمیت شناختن ۲۱ تیرماه به عنوان روز «عفاف و حجاب» یورش وسیعی را علیه زنان «بدحجاب» آغاز نموده است. (۲۱ تیر ۱۳۱۴ در زمان رضا شاه روز کشف حجاب اجباری بود) محمد جعفر منتظری، دادستان رژیم در ۲۳ خرداد ۱۳۹۸ خط قرمز نظام را بی‌حجابی و بدحجابی اعلام نمود.

چرا حجاب زنان در جمهوری اسلامی خط قرمز است؟ پدیده حجاب مثل هر پدیده دیگر اجتماعی، ریشه در شرایط اقتصادی و شیوه تفکر حاکمین کشور دارد. لذا برای پی بردن به این معضل

مسأله حجاب و رژیم جمهوری

اسلامی

ایران کنونی یکی از بحرانی‌ترین کشورهای جهان است؛ تظاهرات کارگری، اعتراضات معیشتی افشار و طبقات تحتانی جامعه، درخواست‌های دمکراتیک مجموعه گروه‌های اجتماعی تحت ستم در خیابان‌ها و غیره امری روزانه، سرتاسری و مداوم گشته است. سیاست سرکوب و ارباب، بگیر و ببندهای وحشیانه و روزمره نیروهای ضربت رژیم، هم کارائی خود را از دست داده و هم تضادهای درونی رژیم حاکم را هر روز تشدید مینماید. یک بحران عمیق و ساختاری که راه برون رفت آن، برون رفتن از ساختار سرمایه‌داری است.

در همین سال سهم بخش‌های مختلف ارزش‌زا در تولید ناخالص داخلی چین برآورد شده است:

سایت تجارت و سرمایه‌گذاری آلمان (GTAI)، برای سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱، سهم نفت در تولید ناخالص داخلی ایران را ۱۳٫۹٪ برآورد می‌کند.

با توجه به داده‌های بانک مرکزی، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی با قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ حدود ۶٫۱٪ بوده است. اقتصاد نیوز رشد صنعت در این سال را صفر ارزیابی کرده است.

بر مبنای گزارش ایمان کرمی کارشناس اقتصادی، سهم کشاورزی ۱۵٫۴٪ و سهم خدمات ۵۳٪ تولید ناخالص داخلی است. در نتیجه سهم معدن در تولید ناخالص داخلی ۱۱٫۶٪ به دست می‌آید.

از جنگ ایران و عراق تا کنون سهم خدمات در کل تولید ناخالص داخلی هر ساله افزون‌تر می‌گردد. وقتی ما از خدمات در تولید ناخالص ملی صحبت می‌کنیم شرکت‌های صادرات و وارداتی عظیمی که از زمان جنگ ایران و عراق شکل گرفتند و کلیه مایحتاج کشور منجمله مایحتاج جنگ را تأمین و تا کنون نیز همچون زالو بر بدن اقتصاد ایران نشسته و آن را می‌مکنند را نیز باید محاسبه کنیم. این شرکت‌های عظیم که سرشان به کنسرن‌های بین‌المللی متصل است، در رقابت با تولید داخلی قرار دارند. عامل اصلی ورشکستگی شرکت‌های تولیدی داخلی نیز همین‌ها هستند. هر چقدر سهم خدمات بالاتر رود سهم تولید داخلی صنعتی، سهم کشاورزی و اندکی هم سهم معدن پائین می‌آید. این بخش از اقتصاد ایران در ید قدرت سران سپاه و آفازده‌هاست.

در نتیجه، در کل اقتصاد ایران کلیه شاخه‌های تولیدی نسبت به خدمات سهم کمتری در تولید ناخالص ملی دارند و هر روز نیز این شکاف عمیق‌تر می‌شود. لذا در این اقتصاد بیمار و ورشکسته که با رانت خواری و چپاول ثروت عمومی توسط شرکت‌های عظیم صادرات و واردات (بورژوازی تجاری مدرن ایران) و درآمد اندک از کار تولیدی زحمتکشانش تأمین می‌شود، نیروی کار از ارزش بسیار اندکی برخوردار است. کارگران را ماه‌ها تا مرز مرگ گرسنه نگهدارند

و تمام امکانات اجتماعی را به رویشان می‌بندند.

اگر زنان نیز در چنین چرخه اقتصادی، در صحنه تولید ظاهر شوند، اعمال فشار بر نیروهای مولده و پراکندگی آن‌ها توسط نیروهای ضربت رژیم اسلامی صد چندان مشکل خواهد شد و قدرت دفاعی نیروهای تولیدی در مقابله با رژیم و تضییقات آن بسیار بالا خواهد رفت. لذا ایجاد جو ترور و وحشت علیه زنان برای فرستادن‌شان به خانه در هر مقطع زمانی، جزو ارجحیت‌های رژیم جمهوری اسلامی است.

از جانب دیگر رژیم سرمایه‌داری ایران کار مجانی زحمتکشانش را نیز خواهان است. زنان با کار مجانی در خانه، خانواده را هر چند در فقر و گرسنگی، سرپا نگهدارند.

علت دیگر اقتصادی تضییقات و اراعات علیه زنان، در نوع خاص اقتصاد اسلامی نهفته است. اقتصاد اسلامی از زمان محمد، پیامبر اسلام، اقتصاد غارت و چپاول، زراندوزی و احتکار کالا با اهرم کشتار و شکنجه بوده است. نتیجه اعمال این نوع اقتصادیات در جامعه سرمایه‌داری، سرکوب، زندان و کشتار نیروی کار، که نیروی دست و پاگیری تلقی می‌گردد، احتکار کالا در انبارها از جمله انبار کردن زنان، که در اندیشه اسلامی چیزی جز کالای متحرک نیستند، در خانه‌ها و حرمسراها برای فروش پرسود آن‌هاست. این کالاها باید از دید دیگران پوشیده بمانند تا برای فروش در لحظه مناسب پر ارزش جلوه کنند.

تمام آیه‌های قرآن در مورد زنان و حجاب دقیقاً در خدمت چنین نگاه اقتصادی به زنان است.

تداخل این دو نوع اقتصاد، بنیان زن ستیزی دد منشانه و کاملاً ارتجاعی و خاص رژیم مذهبی ایران را می‌سازد: زنان باید پوشیده باشند تا این مطاع را کسی جز «صاحب‌اش» نبیند. این موجود باید مطیع و سر به زیر و گوش به فرمان باشد تا طبق اراده ارباب حرکت کند. در عین حال باید در خانه (انبار) بماند تا گران به فروش برسد. لذا حجاب زن اولین مرحله تحقیر اجتماعی و دور کردن زن از پروسه تولید و فعالیت‌های اجتماعی است.

بهمین دلیل حجاب زنان خط قرمز رژیم زن ستیز سرمایه‌داری - مذهبی جمهوری اسلامی است. به بیان دیگر شناسنامه این رژیم، حجاب زنان اعلام کردید.

لذا به روشنی می‌توان دریافت که مبارزه زنان علیه حجاب، اقدامی ست در باطل کردن این شناسنامه.

به مجرد این که رژیم جمهوری اسلامی شکل گرفت، زنان خطر بزرگ را پیش از دیگران احساس کردند. به صورت میلیونی علیه قوانین زن ستیز و محدود کننده رژیم، تظاهرات پر شکوهی را سازمان دادند و فریاد آزادی بر کشیدند.

این فریاد و مبارزه آنچنان پراوج بود که خمینی وحشت زده و تاکتیکی گفت: «حجاب اجباری نیست».

مبارزه زنان علیه حجاب خشم دولتمردان کور دل و عقب مانده را برانگیخت. در سال ۱۳۷۵ در ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی این تبصره اضافه گردید: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» بعد از آن خمینی در نشست طلاب قم گفت: «زن‌ها می‌توانند در کارهای اجتماعی شرکت کنند ولی با حجاب اسلامی»

این سخنان موجی از اعتراضات زنان را در شهرهای مختلف باعث شد. دختران دانش آموز، زنان شاغل در شرکت هواپیمایی ملی ایران و زنان شاغل در برخی ادارات دست به اعتراضات گسترده‌ای زدند. علیه این جنبش بود که نیروهای سرکوبگر «یا روسری یا توسی» را سردادند.

مبارزه زنان با این تهدید سپاه و نیروهای سرکوبگر نه تنها خاموش نشد بلکه در ابعادی وسیع‌تر و با عمق بیشتری در پهنای قلمرو سیاسی رژیم ایران گسترده شد.

شرکت گسترده و متهورانه زنان و قربانیان زیادی که تقدیم مبارزات عمومی زحمتکشانشان ایران کردند، شناسنامه رژیم را با مهر باطل مهور کرد.

به واقع شرکت زنان در مبارزات مردم در تمام عمر منحوس رژیم جمهوری اسلامی، هم سیاست‌های خانمان بر باد ده اقتصادی رژیم را بر ملا کرد و هم شیوه

تفکر قرون وسطائی حاکمین را به جهانیان نمایاند.

در تمام این چهل و چند سال، کشف حجاب اجباری، فردی بود. زنانی شجاع و از جان گذشته حجاب خود را بر چوبی آویزان می‌کردند و رژیم را به مقابله می‌طلبیدند.

اما اخیراً مقابله با حجاب اجباری و کشف حجاب توده‌ای گردیده است. در ۲۱ تیر ماه ۱۴۰۱ یعنی روزی که رژیم آن را روز «حجاب و عفاف» اعلام کرده و کنترل شدیدی را در خیابان‌ها علیه زنان سازمان داده بود، تعداد زیادی از زنان بدون حجاب با شعار «حجاب بی حجاب» در خیابان‌های تعدادی از شهرهای ایران ظاهر شدند.

این حرکت، مقاومت توده‌ای، گسترده، بسیار شجاعانه و تأثیر گذار از پشتیبانی میلیون‌ها انسان آزاده و مترقی در ایران و در سطح بین‌المللی برخوردار گردید.

این اقدام تاریخی، سیاست‌های نابخردانه و جنایت کارانه رژیم سرمایه‌داری ایران را در دور کردن زنان از تولید و خانه نشین کردن آن‌ها، تحقیر آن‌ها با اعمال سرکوب‌گرانه حجاب اجباری و شیوه تفکر زن ستیزانه اسلامی حاکمین، با شکستی مفتضحانه روبه‌رو ساخته است.

رژیم مذهبی ایران که شناسنامه خود را باطل شده می‌بیند، با خشمی سبعانه علیه زنان، با ایجاد جو امنیتی، حکومت نظامی برپا کرده و کنترل فاشیستی شدیدی را علیه آن‌ها اعمال مینماید. در همین رابطه رئیس قوه قضائی روز دوشنبه علیه حرکت توده‌ای حجاب زدائی زنان، گفت: «برخی از دشمنان قسم‌خورده نظام جمهوری اسلامی... به دنبال ترویج ابتدال و بی‌عفتی و بی‌حیایی در جامعه هستند.» و ابراهیم رئیسی مبارزه اخیر زنان را علیه حجاب «ترویج فساد سازمان یافته در جامعه اسلامی» نامید.

اما زنان مصمم هستند، زنجیر حقارت و بی‌عدالتی عمیق اجتماعی را از دست و پای خود باز کنند. این امر ولی بدون شرکت فعال مردان در این مبارزات قابل تحقق نیست. همان طوری که پیروزی در مبارزه علیه دولت سرمایه‌داری ایران بدون شرکت وسیع زنان غیر ممکن است. رژیم ایران شاید بتواند این مبارزه توده‌ای را به عقب راند ولی زنان دوباره

در ابعادی وسیع‌تر، با آگاهی اجتماعی بالاتر و اراده‌ای راسخ‌تر در خیابان‌های شهرهای ایران رژیم را به چالش خواهد طلبید.

این قانون مبارزه علیه سرمایه‌داری است. این مبارزه بخشی از مبارزات دمکراتیک مردم ستم دیده ایران است که باید با سازماندهی وسیع‌تر، سمت سوسیالیستی در پیش گیرد.

تنها آلترناتیو انقلابی

ساختار سرمایه‌داری،

سوسیالیسم است

تکیه‌گاه قشر نازک بورژوازی حاکم در ایران و رژیم‌اش در کجاست؟

رژیم سرمایه‌داری ایران هر روز که می‌گذرد، آشکارتر، وسیع‌تر و بیش‌مانه تر به سرکوب اعتراضات و اعدام مبارزین می‌پردازد. هیچ مرزی را برای تهاجم به زندگی مردمان کار و زحمت نمی‌شناسد. برایش نه زندگی مردمان کشور اهمیتی دارد و نه در چپاول و حیف و میل کردن ثروت‌های عظیم موجود در ایران حدی نگه‌میدارد. هیچ رژیمی در ایران تا این اندازه مطرود و مورد نفرت مردمان کار و زحمت نبوده است. تکیه‌گاه رژیم در ایران بسیار اندک، بی‌ثبات و نامطمئن است. پس تکیه‌گاه اصلی این قشر نازک از بورژوازی و رژیم نماینده آن، در کجاست؟

به این سؤال دو جواب اساسی می‌توان داد:

۱- سرمایه‌داران ایران، کارگران و زحمتکشان را استثمار می‌کنند، طبقه کارگر مقاومت می‌کند، رژیم در خدمت سرمایه‌داری مردم را سرکوب مینماید. این روند با گذشت زمان تشدید شده است. تکیه‌گاه رژیم ایران لومپن‌های مزد بگیر و نیروهای مسلح آن است. با وجود این که این جواب اساساً صحیح است ولی به هیچ وجه ویژگی امروزه رژیم ایران را بیان نمی‌کند. در تمام کشورهای

سرمایه‌داری چنین جریانی حاکم است. نیروهای مسلح و لباس شخصی‌ها و لومپن‌های دست پرورده آن‌ها هم بخشی از رژیم هستند.

۲- ویژگی رژیم ایران در یک پروسه ۴۰ ساله مبارزه طبقاتی، اتفاقات تاریخی بین‌المللی و داخلی شکل گرفته است. لذا بدون بررسی این تاریخ نمی‌توان به درستی تکیه‌گاه قشر نازک بورژوازی حاکم و رژیم‌اش را باز شناخت.

اصولاً در هر کشور سرمایه‌داری، هم طبقه کارگر در جامعه تکیه‌گاه خود را دارد و هم بورژوازی. این یک رابطه دیالکتیکی بین دو قطب تضاد عمده یک جامعه است. در ایران نیز چنین است. قشرهای مختلف بورژوازی در اپوزیسیون ایران در بین مردم تکیه‌گاه خود و گاه‌ا نمایندگان سازمان‌داده شده‌ای دارند. مثلاً قشرهای مختلف بورژوازی لیبرال ایران در اپوزیسیون سازمان‌هایی مثل نهضت آزادی، جبهه ملی، سازمان مجاهدین و سلطنت طلبان را دارند. ولی قشر بسیار نازک بورژوازی فاشیستی حاکم بر ایران و نماینده‌اش، چنین نیست. هدف نوشته حاضر تحلیل این تاریخ و تکیه‌گاه واقعی رژیم جمهوری اسلامی است.

از سال‌های ۷۰ قرن گذشته میلادی تحولی در سازمان تولید بین‌المللی سرمایه‌داری آغاز شد. (رجوع کنید به کمون شماره ۱۲)، ناشی از آن صدها هزار کنسرن عظیم مالی و تولیدی بین‌المللی شکل گرفت که از درون آن ۵۰۰ ابر کنسرن در رأس قرار گرفت و اقتصاد جهان را قبضه کرد. این امر وابستگی سیاسی کلیه دولت‌های جهان نسبت به همدیگر را از بین برد و به جای آن، وابستگی همه این دولت‌ها به کنسرن‌های بین‌المللی را نشانده. این پروسه در سال ۲۰۰۰ قوام یافت و تا کنون تکامل یافته است.

تحت چنین شرایط بین‌المللی، رژیم نو پای جمهوری اسلامی که از پایه مردمی بسیار وسیعی هم برخوردار بود، در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ کارمندان سفارت آمریکا را

به گروگان گرفت. (عملی که تا زمان حاکمیت پهلوی غیر قابل تصور بود) رژیم با این اقدام، عوامفریبانه ژست ضد امپریالیستی به خود گرفت، در حالی که تا اعماق وجودش به کنسرن‌های امپریالیستی بین‌المللی وابسته بود.

این گروگان‌گیری شرایط مساعدی برای آمریکا به وجود آورد تا با تأیید کشورهای دیگر امپریالیستی، با تهییج صدام حسین، جنگ ۸ ساله ایران و عراق را در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شعله‌ور سازد. در این جنگ که ۱/۵ میلیون انسان را قربانی کرد، کشورهای امپریالیستی کهن و کشورهای نو امپریالیستی سوده‌های میلیارد دلاری از فروش اسلحه و ابزار تدارکاتی به کشورهای در حال جنگ، در انبان‌های خود انباشتند.

فروش اسلحه شوروی ۳۰ میلیارد دلار به عراق، آمریکا از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹ ۱,۲۰۰ میلیارد دلار اعتبار به عراق اختصاص داد. و میلیاردها دلار اسلحه از طریق اسرائیل به ایران فروخت. فرانسه با ۱۷ میلیارد دلار، چین ۶ میلیارد، ایتالیا نزدیک به ۴ میلیارد، مصر ۳ میلیارد، برزیل ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و یوگسلاوی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، و در ردیف‌های بعدی عربستان سعودی، قطر، آلمان، اسپانیا، سوئد و سوئیس را می‌توان مهم‌ترین فروشندگان اسلحه به عراق و ایران و هیزم بیار جنگ خونین شعله‌ور شده دانست. (منبع: جنگ ایران و عراق - نوشته رازوکس)

در حین جنگ، اقتصاد ایران قدری سامان یافت زیرا کارخانه‌های اسلحه‌سازی و مؤسسات تأمین نیازهای جبهه‌ها با شدت مشغول تولید اسلحه و دیگر ادوات جنگی بودند.

با این وجود یک قحطی خرنده مردم را تهدید می‌کرد. در مقابل اعتراضات افشار و طبقات اجتماعی، دستگیری‌ها، شکنجه، کشتار مبارزین به بهانه خیانت به میهن اسلامی، قحطی دم‌افزون و به ویژه پافشاری خمینی و یارانش بر ادامه جنگ، بخشی از مردم زحمتکش کشور را از رژیم دور کرد.

اقتصاد شکوفای دوران جنگ همیشه بعد از خاتمه جنگ به یک اقتصاد بحران زده تبدیل می‌شود. کارخانه‌هایی که با تمام ظرفیت کار می‌کنند، بعد از جنگ راکد میمانند، بیکاری همه کارگران را تهدید می‌کند، معضلات اجتماعی بعد از جنگ تا سالیان متمادی در جامعه برجا میماند. در همین وضعیت بحران زده، نماینده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) وارد ایران شدند و با پرداخت ۷۲ میلیارد دلار وام به دولت ایران، هم ذخیره ارزی طلای ایران را ربودند و هم قوانین شدیداً ضد کارگری خود را بر محیط کار تحمیل کردند.

رژیم ایران بعد از خاتمه جنگ پی برد که برای ادامه حاکمیت طبقه‌اش باید نیروهای مسلح بیشتر و تکنولوژی بالاتری در اختیار داشته باشد. لذا بخش اعظم وام دریافتی را خرج تسلیحات و نیروی نظامی نمود که تا کنون بخش اعظم بودجه کشور را میبلعد.

قوانین ضد کارگری، معضل معلولین جنگی، قحطی ناشی از ۸ سال جنگ و سیاست‌های ارتجاعی در قبال معیشت مردم، باعث التهاب و غلیان در جامعه شد که بخش دیگری از زحمتکشان هوادار رژیم را از آن دور نمود.

بعد از جنگ ۱۶۰ کنسرن عظیم بین‌المللی (اطلاعات از سایت: اطاق ایران آنلاین - قرائت در ۲۶ خرداد ۱۴۰۱) برای سرمایه‌گذاری و تولید وارد ایران شدند. این سرمایه‌گذاران برای روند مطمئن تولید، محتاج به ایران ساکت و آرام بودند. برای ایجاد کشوری با سکوت و آرامش گورستانی، رژیم جمهوری اسلامی هزاران از فرزندان مبارز این سرزمین را در سال‌های ۶۰ قرن گذشته به چوبه‌های دار و جوخه‌های تیرباران سپرد.

با وجود این که سرمایه‌های خارجی تکان مثبت قابل ملاحظه‌ای به اقتصاد ایران داد ولی این جنایت هولناک و گسترده، و استعمار شدیدی که از جانب این شرکت‌های خارجی و بورژوازی داخلی بر زحمتکشان اعمال میشد، تکیه‌گاه مردمی رژیم را به طور جدی تضعیف

کرد. تقلب انتخاباتی احمدی نژاد بخش دیگر خرده بورژوازی ایران را به اعتراض کشاند. (جنبش سبز)

اعتراضات پی در پی مردم علیه فقر، بی حقوقی و معضلات اجتماعی باعث شد تا یکی از جناح‌های رژیم، جناح دیگر را ببلعد، کوچک و متحرک شود تا بتواند با سرعت، به هنگام و با نیروی کافی علیه جنبش گسترش‌یابنده توده‌های زحمتکش و مترقی وارد صحنه شود. همین امر به طور کامل تکیه‌گاه مردمی رژیم را از آن جدا کرد و در مقابل‌اش قرار داد.

تحریم‌های روزافزون آمریکا و تهدیدهای واقعی آن، فعالیت رژیم را، در یافتن نقاط گرهی خاورمیانه و مشغول کردن آمریکا در آن، تشدید می‌کرد.

یکی از این نقاط گرهی سوریه بود. پیشنهاد قطر جهت احداث لوله حمل گاز ۱۵۰۰ کیلومتری به ارزش ۱۰ میلیارد دلار از قطر به اروپا از طریق عربستان، اردن، سوریه و ترکیه که در سال ۲۰۰۰ مطرح شد، در سال ۲۰۰۹ با مخالفت بشار اسد مواجه گردید. زیرا ۷۰٪ گاز مورد استفاده کشورهای اروپائی از روسیه تأمین می‌شود. احداث این لوله در تضاد کامل با منافع روسیه بود. آمریکا و کشورهای اروپائی تصمیم به سرنگونی بشار اسد گرفتند. روسیه، جمهوری اسلامی را که اتفاقاً منتظر چنین فرصتی بود، به سوریه کشاند. نیروهای رژیم ایران توانست علیه نیروهای مخالف بشار اسد بجنگد و نیروهای داعش را درهم بکوبد. دخالت مستقیم روسیه نیز بشار اسد را بر جایش محکم کرد و طرح آمریکا با شکست مواجه شد و منافع روسیه از خطر جهید. ولی جمهوری اسلامی توانست با دولت سوریه مناسبات اقتصادی سیاسی فشرده‌ای را بنا نهد و به عنوان یکی از تکیه‌گاه‌های سیاسی خود در خاورمیانه از آن استفاده نماید. اما این تکیه‌گاه برای مردم ایران خیلی پرهزینه بود. به گفته حشمت‌الله فلاحت پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس «جمهوری اسلامی ۳۰ میلیارد دلار در سوریه هزینه کرده است.»

در عین حال نفوذ خزنده‌ی کنسرن‌های بین‌المللی چین و روسیه در اقتصاد ایران، رژیم را از همان اوان، آرام آرام به ابزاری در خدمت خود تبدیل نمودند. به طوری که حجم مبادلات دو کشور چین و ایران در سال ۲۰۱۴ تا ۵۱٫۸ میلیارد دلار افزایش یافت. (راديو فردا - ۶ فروردین ۱۴۰۰) توافقنامه ۵۰۰ میلیارد دلاری ۲۵ ساله نیز قلاده‌های دیگری از وابستگی به کنسرن‌های چینی برگردن رژیم ایران محکم کرد.

حجم مبادلات تجاری با روسیه نیز پس از گروگان گیری سفارت آمریکا، تا به امروز افزایش داشته است. در سال ۲۰۲۱ حجم این مبادلات به حدود ۴ میلیارد دلار بالغ می‌گردد. این مقدار، هنوز تجارت کنسرن‌های روسی با ایران را که با واسطه، اجناس ایران و کشورهای دیگر را مبادله می‌کنند، در بر نمی‌گیرد. (ایرنا - ۹ بهمن ۱۴۰۰ - کد خبر: ۸۴۶۳۰۲۱۸) واگذاری ۲۰ ساله میدان گاز چالوس که بزرگترین میدان گاز جهان است به روسیه، یکی از غارتگرانه‌ترین قراردادهای بین‌المللی می‌باشد.

با در نظر گرفتن کل حجم مبادلات تجارت خارجی ایران ۶۳٫۱ میلیارد دلار، می‌توان درجه نفوذ اقتصادی دو کشور امپریالیستی چین و روسیه و ناشی از آن نفوذ سیاسی آن‌ها را در ایران درک کرد. در نتیجه مهم‌ترین تکیه‌گاه خارجی رژیم جمهوری اسلامی، به لحاظ اقتصادی و سیاسی در مقابل آمریکا و تا اندازه‌ای غرب، دو کشور امپریالیستی چین و روسیه می‌باشد. ولی تکیه‌گاه سیاسی و توده‌ای جمهوری اسلامی همان نیروهای تروریستی نامبرده و مردمان تحت کنترل آن‌هاست.

رژیم ایران زحمتکشان کشور را با شدتی بی‌مانند استثمار می‌کند، به بند می‌کشد و شیریه جان آن‌ها را می‌مکند. آن وقت این ثروت به خون آغشته و منابع ملی را دست و دل باز برای تأمین نیروهای تروریستی و مردمان آن‌ها خرج می‌کند. به لحاظ تصویری، قشر نازکی از سرمایه‌داری ایران و نماینده آن رژیم

المنذب را تشکیل می‌دهد که در انتهای دریای سرخ قرار دارد. لذا بر سر حاکمیت بر این نقطه‌ی استراتژیک بین منافع چین، روسیه و ایران از یک جانب و عربستان و آمریکا از جانب دیگر در خاک یمن درگیری شدیدی حاکم است. در گذشته‌های نه چندان دور، در ۱۳۶۰ رهبر مقتول حوثی‌ها، سید حسین بدرالدین حوثی به دیدار خمینی رفت و مرید او شد.



لذا برای ایران و کنسرن‌های چینی و روسی حاکم بر آن، داشتن یمن به لحاظ استراتژیک اهمیت بالایی دارد. رژیم ایران با تقویت مالی و تسلیحاتی حوثی‌ها تکیه‌گاه دیگری برای خود تدارک دیده است.

تکیه‌گاه مهم دیگر رژیم ایران حزب‌الله لبنان است که مستقیماً در رویارویی با اسرائیل قرار دارد. ایران تا کنون بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در تقویت این جناح در لبنان هزینه کرده است.

رژیم ایران نه فقط سازمان‌های تروریستی و بعضی دولت‌های شبه فاشیستی مثل رژیم بشار اسد را حمایت می‌کند، بلکه دست رحمت خود را بر سر مردمانی که در قلمرو حکومتی و نفوذی این نیروها زندگی می‌کنند نیز می‌کشد. برای مردم این مناطق هزاران آپارتمان در صدها خانه چند طبقه‌ای بنا می‌کند، بیمارستان و حمام برایشان می‌سازد و بر معیشت و گذاران زندگی آن‌ها کنترل می‌کند که چیزی کم و کسر نداشته باشند. این مناطق به واقع تکیه‌گاه‌های رژیم جمهوری اسلامی هستند. مردمان آن جا رژیم ایران را یک رژیم مردمی دست و دل باز می‌شناسند که به همه نیازهای آن‌ها رسیدگی می‌کند.

فشارهای تحریمی آمریکا بر اقتصاد و سیاست ایران بر سر مسائل هسته‌ای و تسلیم ایران در مقابل خواست‌های کنسرن‌های آمریکایی از یک جانب و تشدید، گسترش و رادیکالیزه شدن مبارزات نیرویهای مترقی در ایران از جانب دیگر، فعالیت رژیم را در ایجاد تکیه‌گاه‌های جدید در خارج از ایران ده چندان نمود. رژیم ایران با تکیه بر مرجع تقلید شیعه در عراق توانست به انسجام و گسترش نفوذ حشدالشعبی کمک کند. این سازمان ظاهراً بعد از اشغال موصل و شهرهای اطرافش توسط داعش، علیه داعش به وجود آمد. ولی واقعیت را می‌توان از دهان رئیس شورای بسیج عراق، عقیل حسینی، شنید: «بسیج عراق با تجربه بسیج ایران تشکیل شده است.» نوری مالکی در ۱۳۹۴ به خبرنگار ایلنا می‌گوید: «ما در ساختار بسیج عراق از بسیج ایران الگو گرفتیم.» الحسینی، دبیر کل اتحادیه رادیو تلویزیون‌های عراق می‌گوید: «ایران عمق استراتژیک عراق و تکیه‌گاه اساسی ما بعد از خداوند و اهل بیت (ع) و مرجعیت است، ما جمهوری اسلامی را ذخیره الهی برای خود می‌دانیم... در حال حاضر تعداد نیروهای حشد شعبی ۱۴۰ هزار نفر است که تقریباً ۶۰ هزار نفر از آنها را اهل سنت و مسیحیان و دیگر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند، همه نیروهای حشد شعبی یک هدف و یک نظر دارند و همه نیروهای انقلابی هستند.» (سایت مشرق - کد خبر ۶۹۷۸۶۷)

بدین ترتیب سیاست آمریکا در عراق نیز با شکست روبرو شد و رژیم ایران هم در بین بخشی از مردم عراق و هم در قدرت سیاسی آن توانست تکیه‌گاه نسبتاً محکمی به دست آورد.

زمانی که حوثی‌ها با سرنگون کردن رئیس جمهور و دولت یمن قدرت سیاسی در صنعا را در ۲۰۱۵ از آن خود کردند، ایران به یاری حوثی‌ها شتافت و با ارسال دلار و تسلیحات نظامی به تقویت آن‌ها پرداخت. یمن در یک منطقه کاملاً استراتژیک قرار دارد. جنوب غربی این کشور با جنوب شرقی جیبوتی، باب

جمهوری اسلامی همچون فاتحانی عامه به سر نیروی کار و زحمت این کشور را به گروگان گرفته‌اند تا جیب کنسرن‌های ارباب را بیابانند و تروریست‌ها و مردمان دیگر را با خود همراه کنند. این که در اعتصابات و تظاهرات، نیروهای لبنانی، سوری، عراقی و یا یمنی اسلحه به دست در مقابل تظاهر کنندگان در ایران ظاهر می‌شوند، امری است کاملاً طبیعی. رژیم جمهوری اسلامی دوستان خود را علیه دشمنانش بسیج کرده و وارد صحنه می‌کند.

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما پیوندید

تحول در سازمان تولید بین‌المللی سرمایه‌داری

قسمت دوم

کل کارگران در ۴۹ کشور دنیا در سال ۱۹۸۰ = ۸۸۳۷۰۴۰۰۰ و در سال ۱۹۹۷ = ۱۲۹۹۳۹۳۰۰۰ نفر برآورد شده است. به بیان دیگر در عرض ۱۸ سال حدود ۴۷٪ استثمار در جهان توده‌ای‌تر (گسترده‌تر) گردیده است. رویش قارچ مانند کنسرن‌های بین‌المللی، رقابت روز افزون و ناشی از آن در آمیختگی (Fusion) وسیعی را بین خود سازمان دادند. به طوری که بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ سرمایه‌ای به مبلغ ۳۷۶۳ میلیارد دلار از درآمیختگی شرکت‌ها در بالای هرم جهانی‌انباشته شد. این امر در آن تاریخ متوقف نماند. در هر سال ۱۷۶۸ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۰ حدود ۳۴۹۸ میلیارد دلار از فوزیون شرکت‌ها حاصل آمد. در سال ۲۰۰۱ Unctad به سازمان ملل متحد چنین گزارش می‌دهد: در سطح بین‌المللی ۶۵۰۰۰ کنسرن چند ملیتی با ۸۵۰۰۰۰ شرکت بین‌المللی دختر وجود دارد. حال این سؤال پیش می‌آید که این شرکت‌های عظیم با این گستره وسیع از

کجا به وجود آمده‌اند و چرا؟! این منوپل‌ها، انحصارات عظیم دولتی بودند که با ارگان‌های دولتی ادغام شده بودند و بعد از جنگ دوم جهانی، تنهاراه نجات، سود بیش‌تر و میدان رقابت را در بازار و تولید بین‌المللی یافتند. با افزایش روز افزون آنها در سطح بین‌المللی رقابت و انباشت سرمایه در بالای هرم سرمایه جهانی نیز شدت می‌یابد. بطوریکه که در اوایل سال‌های ۹۰ قرن بیستم بخش اعظم سرمایه انباشت شده در بالای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نمی‌توانست توسط موسسات تولیدی جهان جذب گردد. نظام سرمایه‌داری به دومین سکنه مرگ دچار گردید ولی در سال ۱۹۹۱ ساختار اقتصادی سیاسی سوسیال - امپریالیسم شوروی فرو ریخت. ناشی از آن درهای کشورهای اروپای شرقی و روسیه، و پس از آن تا اندازه‌ای چین به روی سرمایه کنسرن‌های بین‌المللی بازگردید. بدین ترتیب نظام سرمایه‌داری امپریالیستی جان تازه‌ای گرفت. کنسرن‌های بین‌المللی جدیدی از دل نظام سرمایه‌داری روسیه و چین پا به عرصه گذاشت و رقابت‌ها، درهم جوشی‌ها یا بلعیدن‌ها ابعاد بیسابقه‌ای یافت. امپریالیسم وارد فاز دیگری در گندیدگی خود گردید - فاز برگشت ناپذیر لیبرالیسم اقتصادی یا گلوبالیزاسیون -

ناشی از آن در انطباق با شرایط جدید بین‌المللی تحول دیگری در سازمان تولید سرمایه بین‌المللی به وجود آمد که تحت آن اکثر کنسرن‌های ملی که هنوز پایشان به طور اساسی در تولید و بازار ملی گیر کرده بودند و به طور جانبی در تجارت، بین‌المللی و تولید بین‌المللی سهم داشتند به طور اساسی به تجارت بین‌المللی و تولید بین‌المللی گشاده شدند. من در این جا برای اثبات این مدعا آمارهائی می‌آورم:

۱- زمینس: سهم فروش بین‌المللی زمینس نسبت به کل فروش‌اش در سال ۱۹۸۰ حدود ۵۴٫۱٪ بود که در سال ۲۰۰۰ به ۷۵٫۶٪ رسید. سهم تولید بین‌المللی این کنسرن در سال ۱۹۸۰ حدود ۲۱٫۸٪ کل تولیدش بود که در سال ۲۰۰۰ به

۶۴٫۳٪ افزایش یافت یعنی زمینس از یک شرکت بین‌بینی (ملی - بین‌المللی) به یک شرکت بین‌المللی تبدیل شده است که به طور جانبی در تولید ملی نیز سهم دارد. تعداد کارکنان تولید خارجی این شرکت در سال ۱۹۸۰ تقریباً ۳۱٫۷٪ و در سال ۲۰۰۰ حدود ۵۹٫۸٪ کل کارکنان‌اش بود.

توسن-کروپ: فروش خارجی در سال ۱۹۸۰ برابر با ۴۳٪ در ۲۰۰۰ برابر با ۶۵٪ و تولید خارجی این شرکت در سال ۱۹۸۰ برابر با ۱۴٫۷٪ و در سال ۲۰۰۰ مساوی با ۴۶٫۱٪ بوده است.

۳- مرسدس بنز: فروش خارجی این کنسرن در سال ۱۹۸۰ مساوی ۵۵٫۴٪ کل فروش و در سال ۲۰۰۰ مساوی ۸۴٪ کل فروش و تولید خارجی آن در سال ۱۹۸۰ برابر با ۱۴٫۷٪ کل تولید و در سال ۲۰۰۰ مساوی با ۶۸٫۹٪ کل تولید بوده است.

همین پروسه را کنسرن‌های آمریکائی چینی، روسی و دیگر کشورهای اروپائی و ژاپن طی کرده‌اند. به طوری که در سال ۲۰۰۰، ۷۰٪ تجارت جهانی و ۸۰٪ سرمایه‌گذاری بین‌المللی را این کنسرن‌ها به خود اختصاص دادند.

در نتیجه در مقطع ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ کنسرن‌ها و تراست‌های اساساً ملی به منوپل‌های اساساً بین‌المللی تبدیل شدند و از سال ۱۹۹۵ به بعد در اثر تشدید تضاد منوپل‌های بین‌المللی و همجوشی‌ها، پانصد ابر انحصار بین‌المللی، تنها حاکمین بازار جهانی، پا به عرصه وجود گذاشتند. ما می‌توانیم حاکمیت ابر منوپل‌ها بر منوپل‌های ضعیف‌تر را در سرکردگی دولت‌هایی که سازمان خدماتی ابر منوپل‌ها هستند بر دولت‌هایی که در خدمت منوپل‌های ضعیف‌ترند ردیابی کنیم. برای نمونه حاکمیت قانون‌گذارانه پنج کشور قدرتمند اتحادیه اروپا بر دیگر اعضای اتحادیه. (رجوع به جدول)

پیش از توضیح تاثیر سازمان جدید تولید بین‌المللی در اقتصاد جهانی، لازم است که اجزای این سازمان تولیدی توضیح داده شود.

اجزای سازمان جدید تولید سرمایه بین‌المللی عبارتند از:

۱- سازمان تحقیقاتی صدور سرمایه: حجم سرمایه انباشته شده در ابر

روسیه رابطه اقتصادی داشتند با تمام وسایل اعتراض کردند. دولت به اعتراض آنها وقعی ننهاد. این شرکت‌ها ورشکست شدند، ولی ابر انحصارات اسلحه ساز بین‌المللی معاملات میلیاردی پر سودی را منعقد کردند. ناشی از چنین روندی است که وابستگی سیاسی دولت کشورهای ضعیف به کشورهای قوی تا حد صفر سقوط می‌کند و وابستگی اقتصادی - سیاسی همه دولت‌های کشورهای جهان به ابر انحصارات بین‌المللی، به جایش می‌نشیند.

اگر در سازمان تولید پیشین صدور تکنولوژی و ابزار در حد برآوردن نیاز مونتاژ، انجام می‌گرفت، ولی در سازمان تولید جدید، تکنولوژی و ابزار در پیشرفته‌ترین سطح صورت می‌گیرد زیرا پروسه تولید از A تا Z در کشور مورد نظر باید پیش رود.

اگر در سازمان تولید پیشین آموزش علمی از سطح و ضروریات مونتاژ انجام می‌گرفت و اساساً به تربیت تکنیسین بسنده می‌شد، در سازمان جدید تولید سرمایه بین‌المللی تربیت هزاران مهندس، کارشناس و تکنیسین بومی ضروری می‌گردد. این امر باعث می‌شود که این کشورها، که اغلب جزو نیمه مستعمرات بودند، از تکنولوژی بالایی برخوردار شوند و با سرمایه‌ای که از حرکت سرمایه وارد شده خارجی در قسمت‌هایی از جامعه سرریز می‌شد کنسرن‌های تولیدی پیشرفته‌ای سر از زمین اقتصاد آن کشور برآورد. مثل کنسرن عظیم سپاه پاسداران ایران و صدها کنسرن بزرگ ملی دیگر. در آخر این نوشته صد کنسرن ملی از پانصد کنسرن ملی برتر که تحت شرایط فوق به وجود آمده‌اند، آورده شده است.

تاثیر تحول سازمان تولید سرمایه‌دار بین‌المللی در طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش و ستم دیده.

در سطور فوق آورده شد که از تکامل صنایع پیشه‌وری روستایی، جوانه‌های صنایع در شهرها به وجود آمد. در واقع اولین ماشین نساجی که بجای یک دوک، ۱۲ تا ۱۸ دوک را با هم می‌چرخاند و چرخ محرک آن با نیروی دست حرکت می‌کرد، در لندن اختراع شد و اولین کارگر نساج صنعتی در صحنه اقتصاد جهان ظاهر گردید. معادن فلز و زغال

کمال کارخانه تولیدی و یا تاسیسات مالی به کشور و یا کشورهای مورد نظر. ۶- سازمان بازاریابی و فروش در سطح بین‌المللی.

۷- سازمان تهیه مواد خام در سطح بین‌المللی.

۸- سازمان کنترل موسسه و آماده سازی آن برای پیروزی بر رقیب یا رقبا در سطح بین‌المللی

از مقایسه این سازمان تولید بین‌المللی با سازمان تولید پیش از آن، نتایج زیر به دست می‌آید:

اگر در سازمان تولید سرمایه بین‌المللی تا اوایل دهه نود قرن گذشته به مکملی به نام سرمایه ملی محتاج بود، ولی در سازمان تولید جدید به این مکمل احتیاجی نیست و سرمایه کنسرن بین‌المللی در

انحصارات بین‌المللی آنچنان عظیم است که در صدور سرمایه و تاسیس کارخانجات تولیدی در دیگر کشورها به سرمایه ملی در آن کشورها احتیاجی نیست. لذا سرمایه ملی دو راه بیشتر جلوی پای‌اش نیست: یا در سرمایه کنسرن صادر کننده سرمایه حل شود، یعنی اگر این سرمایه ملی به صورت کارخانه تولیدی و یا موسسه مالی در فعالیت است، به صورت شرکت خدماتی کنسرن بین‌المللی صادر کننده سرمایه درآید و یا نابود شود.

۲- بانک بین‌المللی که صدور سرمایه را ممکن می‌سازد و خود بر کنسرن صادر کننده سرمایه حاکم شده است. برای ادغام سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی، سرمایه مالی لازم است. این سرمایه مالی

ده کشور قدرتمند اتحادیه اروپا قوانین کشورهای دیگر اتحادیه را تعیین می‌کنند.					
کشور	جمعیت میلیون	رای در شورای اتحادیه اروپا			BIP میلیارد €
		۲۰۰۲	از ۲۰۰۵	کرسی در پارلمان از ۲۰۰۴	
آلمان	۸۲	۱۰	۲۹	۹۹	۱۹۷۷
فرانسه	۵۹,۲	۱۰	۲۹	۷۲	۱۳۳۰
انگلیس	۵۹,۹	۱۰	۲۹	۷۲	۱۳۰۱
ایتالیا	۵۷,۶	۱۰	۲۹	۷۲	۱۰۹۵
اسپانیا	۳۹,۴	۸	۲۷	۶۴	۵۲۰
هلند	۱۵,۸	۵	۱۳	۳۱	۳۵۳
بلژیک	۱۰,۵	۵	۱۲	۲۵	۲۳۴
یونان	۱۰,۲	۵	۱۲	۲۵	۱۱۰
پرتغال	۱۰,۵	۵	۱۲	۲۵	۹۷
سوئد	۸,۹	۴	۱۰	۲۲	۲۱۲
اتریش	۸,۱	۴	۱۰	۲۱	۱۹۷
دانمارک	۵,۳	۳	۷	۱۶	۱۵۲
فنلاند	۵,۲	۳	۷	۱۶	۱۱۳
ایرلند	۳,۷	۳	۷	۱۵	۶۴
لوکزامبورگ	۰,۴	۲	۴	۶	۱۷

ماخذ: اشتفان انگل - غروب خدایان بر فراز نظم جهانی نوین - انتشارات راه نو

تقابل با سرمایه مکمل قرار می‌گیرد. این امر تغییر عظیمی را در جهت‌گیری دولت‌ها به وجود می‌آورد. در سازمان تولید پیشین، دولت حافظ همه موسسات سرمایه‌داری ملی و پشتیبان آنها بود. ولی در سازمان تولید جدید دولت حافظ منافع ابر کنسرن‌هایی است، که بر او حاکم‌اند. زیرا ابر کنسرن‌های بین‌المللی در این سازمان تولید بین‌المللی فرماندهان واقعی دولت‌ها هستند و از دولت‌ها برای پیشبرد اهداف‌شان، به عنوان اهرم سیاسی - نظامی استفاده می‌کنند. برای مثال؛ در درگیری اوکراین و روسیه دولت آلمان بدون لحظه‌ای تردید به نفع اوکراین وارد میدان شد. هزاران شرکت آلمانی که با

در اختیار بانک است. لذا بانک با در اختیار گذاشتن سرمایه مالی به یک کنسرن بین‌المللی، بر وضعیت مالی آن کنسرن آگاه و بر آن مسلط می‌گردد. لذا بانک‌های بزرگ حاکمین واقعی و مرکز تعیین کننده قدرت نظام امپریالیستی هستند.

۳- سازمان روابط: برای امضای قراردادها، تنظیم روابط عمومی با دولت خود و دولت کشوری که باید در آن صدور سرمایه صورت گیرد و کشورهایایی که باید کالا بدانها صادر شود.

۴- سازمان صدور بالاترین سطح تکنولوژی و ابزار جهت صدور تمام و

ایرانی فانوفاکتوری را در خود متشکل کرده بودند. برای مثال در سال‌های ۱۸۴۰ - ۱۸۳۹ در کاشان قریب به ۶,۰۰۰ دستگاه ابریشم بافی مشغول به کار بودند.

از اواسط قرن نوزدهم ما شاهد از هم پاشیدن فانوفاکتورهای رو به رشد، هستیم. علت این امر وابستگی دولت ایران به روسیه (بعد از جنگ‌های ایران و روس) و انگلیس و ورود کالاهای بدون گمرک و یا گمرک اندک این کشورها به ایران بود. مهمترین این مانوفاکتورها و گسترده‌ترین آن‌ها، مانوفاکتور ابریشم بافی و پارچه بافی بود که در اواخر قرن نوزدهم تقریباً منهدم گردیدند. چند نمونه برای مثال

با تخریب مانوفاکتورهای ایران، هزاران کارگر مانوفاکتوری بیکار، خانه خراب و آواره شدند. در واقع بنیان صنعتی شدن غیر وابسته ایران که نتیجه تکامل تاریخی خود این مانوفاکتورها می‌توانست باشد، در هم کوبیده شد.

از اواسط قرن نوزدهم که مانوفاکتورها منهدم می‌شدند، عده‌ای از تجار ایرانی حدود ۴۰ کارخانه صنعتی تاسیس کردند. به این ترتیب شرایط مادی برای شکل گیری دو طبقه سرمایه‌دار و پرولتاریا آماده می‌شد. ولی این موسسات صنعتی دیری نپاییدند. زیرا با فشار دولت‌های روس و انگلیس ورشکست شدند. به این ترتیب این مناسبات جدید نیز در آن تاریخ در نطفه متلاشی گردید. فقط کارگران چاپخانه‌های ابتدایی ایران به عنوان کارگران صنعتی باقی ماندند.

کارگران ایران تا دهه ۹۰ قرن نوزدهم اساساً عبارت بودند از کارگران سنتی؛ مثل کارگران ساختمانی، مزدبگیران قالی‌باف، قند و شکر ریزان، کارگاه‌های بافندگی سنتی، سنگتراشان، کارگران کوزه‌گری و سفال‌سازی و غیره... با وجود این که کارگران این رشته‌ها در دوران صفویه اتحادیه‌های خود را برپا کرده بودند ولی از اواسط قرن نوزدهم تا آخرین سال‌های این قرن، از اتحادیه‌های صنفی و سیاسی خود محروم بودند.

با آغاز قرن بیستم و ظهور امپریالیسم، تمام کشورهای جهان مورد تهاجم سرمایه امپریالیستی قرار گرفت. صدور سرمایه به کشورهای اغلب نیمه فئودال - نیمه مستعمره و فعال شدن اندوخته ثروتمندان

آغاز گردید. در سال‌های ۱۸۱۲، ۱۸۱۸ و ۱۸۲۲ در انگلستان و شوتلند کارگران به عنوان اعتراض به صورت متشکل دست از کار کشیدند. مبارزه کارگران در مرحله بعدی به خواست ایجاد اتحادیه کارگری، ایجاد صندوق مالی کارگری برای کمک به کارگران بیکار شده و خواست قرارداد قانونی کار بین کارگر و کارفرما و مبارزه با جریمه‌های غیر قانونی، تکامل یافت. از بطن این مبارزات و جمع‌بندی علوم تا آن زمان بشری و مبارزات سیاسی مردم فرانسه اسپانیا و دیگر مردمان جهان علیه کلونیالیسم و سرمایه، مارکسیسم به عنوان جهان‌بینی و متدلوژی پرولتاریا (دیالکتیک ماتریالیستی) متولد شد و مانیفست حزب کمونیست توسط مارکس

سنگ با تکنیک‌های نوین، هزاران کارگر صنعتی (به ویژه زنان و کودکان) را در خود متمرکز کرد و با کشف قدرت بخار، اولین ماشین‌های صنعتی و لوکوموتیو بخاری ساخته شد که ناشی از آن شهرهای غول پیکری در کشورهای پیشرویی مثل انگلستان، فرانسه یا ایتالیا ظاهر شد که جلال و زیبایی آن چشم را خیره می‌ساخت ولی سازندگان واقعی آنها که در فقر و فلاکت بی مثالی غوطه می‌خوردند و از فرط استثمار و فشار کار به مرگ تدریجی محکوم بودند و اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند، ولی به چشم نمی‌آمدند. با تکامل و پیشرفت صنایع و در نتیجه تشدید رقابت و تمرکز سرمایه، استثمار نیروی کار توده‌ای‌تر و شدیدتر می‌شد. در مرحله اولیه از تکامل صنعت

تخریب صنعت ابریشم بافی که نتیجه ورود ارزان کالاهای مشابه کشورهای سرمایه‌داریست				
موضوع	سال	مقدار	سال	مقدار
دستگاه بافندگی ابریشم در مشهد	۱۹۰۰	۱/۲۰۰ دستگاه	۱۶-۱۹۱۵	۱۵۰ دستگاه
دستگاه ابریشم بافی یزد	۱۸۹۰	۱/۸۰۰ عدد و ۹/۰۰۰ کارگر	۱۸۹۳	۷۰۰ دستگاه
دستگاه ابریشم بافی در اصفهان	اوایل قرن ۱۹	۱/۲۵۰ دستگاه	اواخر قرن ۱۹	۱۲ دستگاه
دستگاه نساجی بیدگل کاشان	اواسط قرن ۱۹	۳۰۰ دستگاه	اواخر قرن ۱۹	۵۰ دستگاه
دستگاه ابریشم بافی کاشان	۱۸۳۹-۴۰	۶/۰۰۰ دستگاه	۱۹۰۲	۳۰۰ دستگاه
واردات عمدتاً پارچه ابریشمی	۱۸۸۹	۶/۵۰۰/۰۰۰ تومان	۱۹۱۰	۱۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان

برگرفته از کتاب «شیوه تولید آسیائی و ساختار اقتصادی جامعه ایران» نوشته غلامرضا پرتوی - اطلاعات جدول اقتباس از: محمد رضا فشاکی - کتاب تکوین سرمایه‌داری در ایران

و سرمایه‌داری، کارگران را هیچ قدرت، نیرو و سازمانی حفاظت نمی‌کرد. آنها را به تخته شلاق می‌بستند و تا دم مرگ می‌زدند. فقط فریادشان در فضا می‌پیچید. کارگران فقط در کارخانجات و در تولید متشکل بودند و اتحادیه‌های کارگری شکل نگرفته بودند مقاومت کارگران در مراحل اولیه به صورت دزدی‌های فردی از محصولی که خود تولید کرده بودند ظاهر می‌شد که با سرکوب خونین نیروی دولتی روبرو می‌گردید. کارگران در تجربه، بی‌ثمری این شیوه مقاومت را دریافته‌اند. در مرحله بعد مبارزه متشکل کارگران به صورت تخریب ماشین‌های تولیدی صورت می‌گرفت. مبارزات کارگران با تکامل رقابت ازاد سرمایه و توده‌ای شدن استثمار، گسترش و تعمیق می‌یافت. در ابتدا تماس‌های کارگران جهت سازمان دادن مقاومت متشکل، مخفیانه بود. سپس مقاومت متشکل علنی

و انگلس در ۱۸۴۸ تدوین گردید. و زمانی که انحصارهای ملی در حال پیدایش بودند و هر نیروی قابل استثماری در صحنه ملی، به کار گرفته شده بود، به بیان دیگر، زمانی که در روند تمرکز سرمایه، استثمار توده‌ای‌تر و شدیدتر می‌شد، اتحادیه‌های معظم کارگری و سپس سازمان‌های سیاسی کارگری شکل گرفتند که نمونه بارز آن انترناسیونال اول است. اولین خیزش طبقه کارگر برای رهایی طبقاتی، در دوران رقابت ازاد سرمایه، کمون پاریس بود که از ۱۸ مارس تا ۲۸ ماه مه ۱۸۷۱ تشکیل شد. این جنبش تاریخی پرولتاریا توسط بورژوازی المان و فرانسه سرکوب گردید ولی افق این جنبش تا برپایی جامعه جهانی کمونیستی همچنان می‌درخشد. در ایران نیمه فئودال - نیمه مستعمره، تا اواسط قرن نوزدهم مانوفاکتورها رو به رشد و تکامل بودند و ده‌ها هزار کارگر

پرولتاریا را نیز در کل جهان به هم پیوند داد. از سال ۹۰ قرن بیستم به بعد هر اعتصاب مهمی در یک کارخانه کشور امپریالیستی و یا سرمایه‌داری، مورد پشتیبانی وسیع کارگران کارخانه‌های دیگر کشورها قرار می‌گیرد. برای مثال می‌توان از پشتیبانی سندیکای شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه از اعتصابات گسترده کارگران کارخانه‌های اوپل و فولکس واگن نام برد....

طبقه کارگر ایران در قرن بیستم تا به امروز

در ایران با صدور سرمایه بین‌المللی و فعال شدن ثروت بعضی از تجار ایرانی به صورت سرمایه در ادغام با سرمایه خارجی و ایجاد مؤسسات تولیدی جدید از سال‌های ۱۸۹۵ به بعد، جنبش‌های وسیع زحمتکشان شهری گسترده می‌گردید. این جنبش‌ها که توسط اتحادیه‌های حرف گوناگون پشتیبانی و تقویت می‌شد، از دو منبع اطلاعاتی و سیاسی نیز سیراب می‌گشت؛ کارگران سوسیال دموکرات ایرانی که در روسیه کار می‌کردند و مرتب بین ایران و روسیه در حرکت بودند. و روشنفکران طبقات بالا که در کشورهای غربی تحصیل می‌کردند و به کشور مراجعت می‌نمودند. کل این جنبش، به استثنای جنبش سوسیال دموکراسی که از آذربایجان منتشر می‌شد، به علت ساختار اقتصادی سیاسی ایدئولوژیک جامعه ایران، زیر هژمونی شخصیت‌های مذهبی قرار داشت.

این جنبش که به انقلاب مشروطه (۱۹۱۱-۱۹۰۷)، تکامل یافت، توانست ساختار سرواژ و برده داری، تیول‌داری، اقطاع‌داری جامعه را که دولت قاجار نماینده آن بود، در هم بکوبد و جامعه نوین فئودالی کلاسیک ایران را بنیان نهد. به جای سرفداران و برده داران، فئودال‌ها به صحنه آمدند و سرف‌ها و برده‌ها دهقانانی گردیدند که بر مبنای نسق، از تولید سهم می‌بردند و یک جانب نیروهای مولده قرار می‌گرفتند. در جریان جنگ جهانی اول اقتصاد ایران رو به زوال رفت. اغلب مؤسسات تولیدی شهری و کشاورزی ورشکست شدند و نتیجتاً بورژوازی و پرولتاریا به ضعف گرائیدند.

بعد از جنگ جهانی دوم و به ویژه با برآمدن رضاشاه، سرمایه امپریالیستی سیل‌وار به ایران سرازیر گشت. هزاران کارخانه مونتاژ و پلانتاژهای صنعتی

درست در این شرایط غم‌انگیز، که ده‌ها هزار کادر جان برکف جنبش کمونیستی این کشورها در میدان‌های جنگ جان نثار کرده بودند، عوامل ایدئولوژیک - سیاسی خرده بورژوازی و بورژوازی، درون احزاب کمونیست سریدند. این عوامل مخرب هزاران کمونیست فداکار و معتقد را در جریان جنگ جهانی دوم به ویژه در شوروی از حزب اخراج کردند و بسیاری را به جوجه‌های اعدام سپردند. رفیق استالین بارها فریاد اعتراض‌اش را بر این جنایات بلند می‌کرد. شرایط نا مساعد داخلی، نفوذ طبقات غیر پرولتاری در احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی، شرایط نامساعد بین‌المللی و اشتباهات درونی رهبران جنبش کمونیستی، گام به گام پرولتاریا را از قدرت سیاسی عقب راند. با شکست جنبش و قدرت پرولتاریا از بورژوازی داخلی و امپریالیستی، پروسه عقب نشینی جنبش‌های مترقی و انقلابی در کل

کشورهای جهان آغاز شد. جنبش کمونیستی هر روز پراکنده‌تر و نفوذ ایدئولوژی خرده بورژوازی در آن هر دم عمیق‌تر و گسترده تر می‌شد. با آغاز گلوبالیزاسیون و ایجاد جهان تک قطبی، این پراکندگی و اضمحلال تشدید شد. ولی در همان حال جنبش‌های راستین کمونیستی، گرد و غبار شکست را از خود زدودند، آرام آرام با تعمیق مطالعه در مورد علل شکست این جنبش و جمع‌بندی از کلیه عوامل مثبت و منفی، کمر راست کردند و مبارزه علیه سرمایه داری و رسیدن به سوسیالیسم را در سطحی بالاتر، با تجارب غنی‌تر و در ضمن با مصائب بیشتری آغاز کردند.

سازمان جدید تولید بین‌المللی سرمایه‌داری، یک قشر پرولتاریای صنعتی متخصص، هوشیار، پر دانش و با دید بین‌المللی در سطح جهانی به وجود آورده است که مرکز و سازماندهنده طبقه کارگر جهانی جهت در هم کوبیدن نظام سرمایه‌داری و برپائی نظام سوسیالیستی بین‌المللی است.

از آن روزی که هلموت اشمیت، صدر اعظم آلمان در جشن وحدت دو بخش آلمان گفت: «کمونیسم مرد ولی مسیح زنده است»، مارش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جهان با هر گام‌اش بیشتر به چپ متمایل می‌شد. جهان تک قطبی،

به صورت سرمایه در همین کشورها، باعث رشد سرمایه‌داری و پرولتاریا در جهان گردید. در بعضی کشورها که احزاب راستین پرولتاریا توانسته بودند در رأس جنبش‌های اجتماعی طبقه کارگر قرار گیرند با انقلاب دموکراتیک سمت ساختار سوسیالیستی را در پیش گرفتند (مثل انقلاب دموکراتیک در روسیه و یا انقلاب دموکراتیک نوین در چین) تا اواسط قرن بیستم حدود ۷۲۳ میلیون نفر از جمعیت ۱,۶ میلیاردی جهان، در کشورهای سوسیالیستی تحت رهبری پرولتاریا می‌زیستند. طبقه کارگر تا سالهای ۵۰ قرن گذشته در مبارزه سازمان یافته علیه بورژوازی به دستاوردهای عظیمی نائل گشته و در چند محدوده سیاسی قدرت خود را مستقر کرده بود. موج انقلابی و جنگ‌های امپریالیستی علیه کشورهای سوسیالیستی تا سالهای ۱۹۴۰ جهان را می‌لرزاند.

دیالکتیک ماتریالیستی و تاریخی بر آن است که هر پدیده‌ای به دو تقسیم می‌شود. لنین این قانونمندی را در جزوه «درباره مسأله دیالکتیک» دایهانه با جملات کوتاهی چنین بیان می‌کند: «دوگانه شدن یک واحد کل و معرفت بر اجزاء متضادش جوهر و اساس دیالکتیک را می‌سازد». مائوتسهدون همین مسأله را چنین موجز بیان می‌دارد: «دوگانه شدن یگانه»

ما این مسأله را در دولت‌ها، احزاب سیاسی و طبقات کلیه جوامع می‌توانیم ردیابی کنیم.

پرولتاریا نیز از این قانون مستثنی نیست. در صفوف پرولتاریا نیز دو جهان بینی، دو سیاست و دو سبک کار پرولتاری و غیر پرولتاری وجود دارد که ناشی از نفوذ ایدئولوژیک سیاسی طبقات بورژوازی و خرده بورژوازی است.

بورژوازی بین‌المللی امپریالیستی دو جنگ جهانی را بر پرولتاریای روسیه و یک جنگ جهانی را بر پرولتاریای چین تحمیل نمود. استثمار شوندگان این دو کشور تهاجم امپریالیسم را در هم کوبیدند و آنها را از کشورشان بیرون راندند ولی خود نیز دوچار مصائب بسیار گشتند؛ گرسنگی، بیماری‌های واگیردار، کشور ویران و زیر ساخت‌های اقتصادی و سیاسی نابود شده.

سرنگون با رژیم سرمایه‌داری فاشیستی جمهوری اسلامی ایران

این کشورها کارگران کشورهای دیگر را استثمار می‌کند و هستی آن‌ها را به غارت می‌برد، تعداد کودکان کار اندک است. مثل المان، فرانسه و یا سوئد. در کشورهایی که استثمار نیروی کار شدید، مزدها اندک، گرانی و در نتیجه فقر دائم‌التزاید است، تعداد کودکان کار روز افزون می‌باشد.

احمد احمدی‌صدر، مدیرعامل سازمان رفاه، در ۳۰ خرداد ۱۴۰۱، می‌گوید: «طبق برآوردها و آمارهایی که از طریق بهداری، بهزیستی و شهرداری تهران در دست داریم، تعداد کودکان تهران، در سال ۱۴۰۰ کمتر از ۲ هزار نفر بود. اما با برآوردهای اولیه‌ای که در این زمینه انجام شده، آمار کودکان کار در تهران به سرعت رو به افزایش است. آمارهای بدست آمده نشان می‌دهد که تعداد کودکان کار تهران در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۱۰ هزار نفر رسیده که نشان‌دهنده افزایشی ۵ برابری است.» (منبع: <https://irankargar.com>)

هر جا فقر افزون می‌شود، کودکان کار افزون می‌شوند، هر جا گرانی افزون می‌شود، کودکان کار افزون می‌شوند و هر جا اعتیاد، فحشا و معضلات و آسیب‌های اجتماعی افزون می‌شود، کودکان کار افزون می‌شوند. وضعیت کودکان کار پارامتری است که می‌توان درجه سلامت و رفاه یک جامعه را با آن اندازه گرفت

میانگین سن کودکان کار به گفته عطاران، پژوهشگر جمعیت امام علی، ۹ سال است. این میانگین سنی همانند میانگین سنی دختران تن فروش هر ساله کوچکتر می‌شود.

۵۰٪ کودکان کار از ۷ تا ۱۰ سالگی مشغول به کار می‌شوند. ۲۰٪ این کودکان در زیر ۷ سالگی مجبور به کار هستند. ۶۵٪ کودکان کار دارای خانواده کارگری هستند که تعداد خانواده بیش از ۴ نفر است. (بین ۴ تا ۱۵ نفر)

بخشی از کودکان کار که در پروسه تولید در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مشغولند و یا خانه و سرپناه امنی ندارند، در معرض تعرضات گوناگون از جمله تعرض جنسی قرار می‌گیرند.

این کودکان نه تنها در کودکی قربانیان بی پناه جامعه هستند بلکه در سنین بالا نیز آینده‌ای تیره و نکبت‌بار نصیب‌شان خواهد بود. آینده‌ای که میلیون‌ها انسان را به عصیان و یا به قعر معضلات پایان ناپذیر اجتماعی میکشاند.

مبارزه قهر آمیز تحت رهبری پرولتاریا تنها راه رهایی از قید نظام سرمایه‌داری است

کودکان کار و رژیم سرمایه‌داری ایران

«دستان کوچک به گل آغشته‌اش را با آب آلوده‌ی برکه کوچکی شست. نگاه خسته، محزون و مشکوک‌اش را به چشمانم گره زد و به انتظار نشست. رمق در اندام نحیف و کوچک‌اش نبود. با بی حالی به چند آجر پاره که روی هم تل انبار شده بود تکیه داد و هیچ نگفت.

از او پرسیدم: «پسرم، می‌توانم با تو چند کلمه صحبت کنم؟»

هیچ نگفت.

پرسیدم: «اسمات چیست؟»

«قلی. آقا.»

«چند سالته؟»

«۹ سال. آقا.»

«این جا چه می‌کنی؟ کارت چیست؟»

«آجر می‌زنیم. آقا.»

«چند ساعت در روز کار می‌کنی؟»

«نمی‌دانم. آقا. از صبح زود تا تاریکی.»

«راضی هستی؟ چقدر مزد می‌گیری؟»

«صاحت کار ما را می‌زند. آقا. خیلی آدم بدی است. روزی ۲۰ تا مزد می‌دهد. آقا.»

«چند نفر هم سن تو این جا کار می‌کنند؟»

پیش از جواب، دستمال مندرسی را باز کرد، تکه‌ای نان بربری و قدری پنیر خشک در آن بود. فهمیدم که بسیار گرسنه است و نباید مزاحم‌اش شد.

«نمی‌دانم. آقا. اما هر بچه‌ای را که برای کار این جا می‌آورند، یکی از کارگران بزرگ سال را بیرون می‌کنند. آخه آن‌ها از ما بیشتر مزد می‌خواهند. آقا.»

پرسیدم: «...»

آخرین جواب این کودک کار در این مصاحبه، علت العلل وجود کودکان کار را بر ملا می‌سازد: مزد کمتر با تولید

بیشتر. این روند، اساس حیات سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد: مزد

کمتر، تولید بیشتر و در نتیجه سود بیشتر.

لذا پدیده کودکان کار، یکی از اجزای جدائی ناپذیر نظام سرمایه‌داری است.

در کشورهای که زحمتکشان از رفاه نسبی برخوردارند، یعنی سرمایه‌داری

کشاورزی با ادغام سرمایه ملی و امپریالیستی ایجاد گردید.

برای مثال: راه‌آهن سراسری ۱۶۰۰ کیلومتری ایران بود که بندر شاه در دریای خزر را با بندر شاهپور در خلیج فارس متصل می‌کند. این خط توسط شرکت های آلمانی، انگلیسی، آمریکایی، اسکاندیناویایی، ایتالیایی، بلژیکی، سوئیسی و چکسلواکی ساخته شد که بودجه کلی آن توسط اضافه شدن مالیات بر قند و شکر تأمین گردید و شرکت های فوق از قبل آن سودهای سرشاری بردند.

تأسیس ژاندارمری و شهربانی کل کشور، تشکیل نیروی دریائی مدرن، تشکیل نیروی هوائی و ایجاد کارخانه مونتاژ قطعات هواپیمای آلمانی با سرمایه آلمانی و ایرانی. خرید چند هواپیمای یونکرس از آلمان، عقد قرارداد جدید نفت با انگلیس، تأسیس بانک ملی ایران و بانک کشاورزی و بانک رهنی، ایجاد راه‌های شوسه و غیره...

در ۱۹۰۶ اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران دایر شد ولی بعد به علت سازش حزب دموکرات با رژیم وقت، منحل گردید. در طول جنگ جهانی اول و تا سال ۱۹۱۸ هیچ اتحادیه‌ای در ایران پا نگرفت. بعد از آن کارگران چاپخانه‌های تهران دوباره دست به تشکیل اتحادیه زدند و دولت را مجبور به قبول خواسته‌های خود از جمله حق اعتصاب و هشت ساعت کار در روز نمودند. کارگران حرفه‌های دیگر تشویق گشتند و اتحادیه‌های خود را در جریان مبارزه با کارشکنی‌های دولت تشکیل دادند به طوری که در سال ۱۹۲۲ ده اتحادیه در تهران وجود داشت که در آن‌ها ده هزار کارگر متشکل بودند. ولی این اتحادیه‌ها، سندیکاهای کارگران صنعتی به مفهوم امروزی آن نبودند. بلکه اتحادیه کارگران سنتی ایران بودند، از قبیل: اتحادیه کارگران نانوائی‌ها، دستبافی‌ها، پست و تلگراف و تلفن، کفاشی‌ها و... بعد از آن اتحادیه‌هایی شروع به پیدایش نمودند که ظهور صنایع مدرن در کشور را خبر می‌دادند، مثل اتحادیه کارگران تراموا و داروسازی‌ها.

در ۱۹۱۶ در تیریز اتحادیه «حزب کارگر» تشکیل شد که با ایجاد دفتر عمومی برای حل و فصل مسائل دکانداران کوچک، آن‌ها را تحت رهبری خود درآورد. ۱۲ هزار کارگر در این اتحادیه متشکل بودند. ادامه دارد

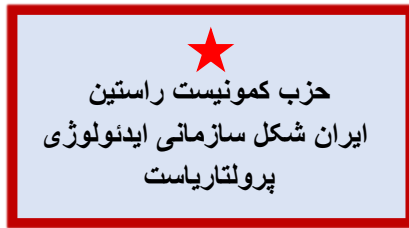
خورشید زنده است!
 آهنگ پر صلابت تپش قلب خورشید را
 من
 روشن تر،
 پر خشم تر،
 پر ضربه تر شنیده ام از پیش...
 از پشت شیشه ها به خیابان نظر کنید!
 از پشت شیشه ها
 به خیابان نظر کنید!
 از پشت شیشه ها

نو برگ های خورشید
 بر پیچک کنار در باغ کهنه رست .
 فانوس های شوخ ستاره
 آویخت بر رواق گذرگاه آفتاب ...

 من باز گشتم از راه،
 جانم همه امید
 قلبم همه تپش .
 چنگ ز هم گسیخته زه را
 زه بستم
 پای دریچه،
 بنشستم
 و از نغمه ئی
 جام لبان سرد شهیدان کوچه را
 با نوشخند فتح
 شکستم :
 آهای !
 این صبحگاه است گوئی به سنگفرش
 که اینگونه می تپد دل خورشید
 در قطره های آن ...
 از پشت شیشه ها به خیابان نظر کنید
 خون را به سنگفرش ببینید !
 خون را به سنگفرش ببینید !
 خون را به سنگفرش احمد شاملو



جزئی جدائی ناپذیر از آن است، نمیتوان
 در همین نظام برای آن راه حلی پیدا کرد.



یاران ناشناخته‌ام

یاران ناشناخته‌ام
 چون اختران سوخته
 چندان به خاک تیره فرو ریختند سرد
 که گفتی
 دیگر، زمین، همیشه، شبی بی ستاره
 ماند.

 آنگاه، من، که بودم
 جغد سکوت لانه تاریک درد خویش،
 چنگ ز هم گسیخته زه را
 یک سو نهادم
 فانوس بر گرفته به معبر در آدم
 گشتم میان کوچه مردم
 این بانگ با لبان شررافشان:
 آهای !
 از پشت شیشه ها به خیابان نظر کنید!
 خون را به سنگفرش ببینید! ...
 این خون صبحگاه است گوئی به
 سنگفرش
 کاینگونه می تپد دل خورشید
 در قطره های آن

 بادی شتابناک گذر کرد
 بر خفتگان خاک،
 افکند آشیانه متروک زاغ را
 از شاخه برهنه انجیر پیر باغ...

به گفته عطاران ۶۵٪ کودکان کار به
 لحاظ بهداشتی در وضعیت بسیار
 نامناسبی هستند.

بر طبق قوانین بین‌المللی، کارکن بین ۹ تا
 ۱۹ ساله کودک کار به حساب می‌آید. در
 نتیجه در ایران جمهوری اسلامی می‌تواند
 ادعا کند که کودکان کار در این کشور
 بسیار اندک هستند، زیرا اکثریت کودکانی
 که کار می‌کنند زیر ۹ سال سن دارند.
 آمارها گویای یک معضل اجتماعی عمیق
 است که با دیگر معضلات اجتماعی
 نسبت مستقیم دارد.

کودکان کار قربانیان نظام سرمایه‌داری
 هستند. قربانیانی کوچک با ظرفیت
 تولیدی بزرگ. این قربانیان در عین حال
 بی‌پناهترین قربانیانند.
 دیدگاه رژیم جمهوری سرمایه‌داری و
 مذهبی ایران در مورد این قربانیان را
 می‌توانیم از زبان عطاران بشنویم: او
 چنین در افشانی می‌کند:

«آسیب‌های روحی که این کودکان
 می‌بینند منجر به شکل‌گیری سایر
 آسیب‌های شهری مانند وندالیسم می‌شود.
 بگذریم از این‌که افرادی مانند خفاش شب
 که از این گروه بودند، گریبان همه ما را
 گرفتند.»

بدین ترتیب این مسئول فاسد و تبه‌کار
 سرمایه‌داری، تمام خفاشانی را که شب و
 روز به مکیدن شیر جان زحمتکشان
 جامعه مشغولند و خود نیز جزو
 آن‌هاست، از نظرها می‌پوشاند.
 سرمایه‌داران خون این کودکان بی‌پناه و
 فقر زده را می‌مکند و نماینده آن‌ها این
 کودکان را خفاشان شب مینامد. این نظر
 مربوط به فقط عطاران نیست. این
 ایدئولوژی و دیدگاه رژیم جمهوری
 اسلامیست. به علت این که پدیده کودکان
 کار بخشی از هستی نظام سرمایه‌داری و

پرولتاریای جهان متحد شوید!

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!

حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!

تروتسکیست های خائن را از صفوف خود طرد کنیم!

دغل‌کاران را از صفوف خود برانیم